



**پوتین به چین می‌رود**

کرملین اعلام کرد: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از ۱۶ تا ۱۷ مه (۲۷ و ۲۸ اردیبهشت) به دعوت شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین به‌عنوان اولین سفر خارجی خود در دوره جدید تصدی پست ریاست‌جمهوری، به این کشور سفر می‌کند. در این بیانیه آمده است: برنامه سفر رئیس‌جمهور روسیه شامل دیدار وی با لی چیانگ، نخست‌وزیر چین است که در جریان آن قرار است وی درباره همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های تجاری، اقتصادی و بشردوستانه گفت‌وگو کند. رهبران روسیه و چین به تفصیل در مورد طیف گسترده‌ای از موضوعات مشارکت همه‌جانبه و همکاری استراتژیک بحث خواهند کرد، مسیرهای اصلی برای توسعه بیشتر همکاری عملی روسیه و چین را مشخص خواهند کرد و همچنین در مورد ضروری‌ترین موضوعات بین‌المللی و منطقه‌ای تبادل نظر خواهند کرد. قرار است پس از این مذاکرات، بیانیه مشترک سران کشورها و تعدادی از اسناد دوجانبه امضا شود. علاوه بر این، ولادیمیر پوتین و شی جین‌پینگ در یک مراسم رسمی به مناسبت هفتادونهمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک و افتتاحیه سال‌های فرهنگ روسیه و چین شرکت خواهند کرد.



**نه‌لستان به اوکراین**

رئیس‌جمهور لهستان گفت این کشور قادر نخواهد بود سیستم‌های دفاع هوایی پاتریوت را در آینده‌ای نزدیک به اوکراین ارسال کند. علاوه بر کمک‌هایی که در ماه گذشته میلادی به ارزش بیش از ۶۰ میلیارد دلار توسط آمریکا برای اوکراین تصویب شد، دولت این کشور جنگ‌زده اروپایی همچنان در خواست تسلیحات بیشتر را مطرح می‌کند و از متحدان اروپایی می‌خواهد تا هر چه بیشتر به آن کمک کنند. شبکه خبری بلومبرگ به نقل از «آندژی دودا» رئیس‌جمهور لهستان گزارش کرد: «لهستان قادر نخواهد بود سامانه‌های دفاع هوایی پاتریوت را در آینده‌ای نزدیک به اوکراین ارسال کند. وروش تازه شروع به دریافت سامانه‌های پاتریوتی کرده که ۷ سال پیش در ایالات متحده سفارش داده شد.» رئیس‌جمهور لهستان در انجمن اقتصادی قطر در دوحه ادعا کرد: «دنیا آزاد نباید به روسیه اجازه دهد که در جنگ اوکراین پیروز شود.»



**مذاکرات در حالت رکود**

نخست‌وزیر قطر تاکید کرد مذاکرات تبادل اسرا میان رژیم صهیونیستی و جنبش حماس در حال حاضر دچار رکود شده است. محمدبن عبدالرحمان آل ثانی، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر تاکید کرد: مذاکرات معامله تبادل اسرا میان حماس و اسرائیل در حال حاضر در حالت رکود قرار دارد و عملیات اسرائیل در رفح مذاکرات آتش‌بس را به عقب بازمی‌گرداند. به نقل از الجزیره، وی گفت: خطراتی نسبت به گسترش دامنه نزاع در منطقه وجود دارد. آتش‌بس در غزه و پایان دادن به جنایت‌هایی که در حق فلسطینی‌ها انجام می‌شود، لازم است. موضع طرف اسرائیلی درباره روش توقف جنگ واضح نیست. ما به تلاش و فشار برای رسیدن به توافق آتش‌بس ادامه خواهیم داد. وی تاکید کرد: نمی‌خواهیم از ما به عنوان میانجی سوءاستفاده شود. به همه توضیح دادیم که نقش ما محدود به میانجی‌گری است. نخست‌وزیر قطر گفت: تا زمانی که نیاز به ارتباط وجود دارد نباید به پیش‌بینی درباره آینده حماس در قطر پرداخت. همه باید بر میانجیگری کنونی و توقف جنگ و آزادی اسرا متمرکز شوند.

نکنم. رابطه با آمریکا بر خلاف آن چیزی که در دهه‌های پس از انقلاب در ایران، چه در میان حاکمان و چه در میان مخالفان حکومت مطرح است، اتحاد با آمریکا نه باعث دوره‌ی گل و بلبل می‌شود و نه باعث بدبختی. به روابط حکومت شاه با آمریکا باید دیدگاه به یک دوره تاریخی و بدون حب و بغض نگاه کرد. در این کتاب توضیح داده‌ام که اینگونه نبود که آمریکا دستور بدهد و شاه هم بگوید چشم. رابطه ایران و آمریکا خطی نبود بلکه همواره رابطه پرفراز و نشیبی بود. در یک دوره ایران پهلوی سیاست‌های خودش را دنبال می‌کرد. این سیاست‌ها در عراق چه در دوران عبدالکریم قاسم و چه در دوران برادران عارف دنبال می‌شد. در این دوران چه دولت جان‌آکنده و چه دولت لیندون جانسون تلاش می‌کردند که این سیاست را تغییر دهند. حتی دو بار به شاه اولتیماتوم داده‌بودند. وزارت خارجه آمریکا به عنوان نهاد بعد از دوران آیزنهاور روی خوشی نسبت به همکاری پیشینه و ژرف با شاه نداشت و در دوران جیمی کارتر این مخالفت به حد اکثر رسید که شاهد بودیم و به رقابت وزارت خارجه با زینکتیو برزیلنسکی، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور رسید. من این موضوع را در کتاب، مورد اشاره قرار نداده‌ام، اما معتقدم که رابطه استراتژیکی که میان ایران و آمریکا از سال ۱۹۴۵ شروع شد از یک همکاری شروع شد و به یک اتحاد رسید و در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ بیشتر به نوعی پارتنرشپ و شراکت تبدیل شد. شاه بارها به این مسئله اشاره کرده است که در بحران آروند ۱۹۶۹ و جنگ هند و پاکستان، آمریکا در کنار به اصطلاح متحدان خودش نایستاد. معنای اتحاد این است که در بزنگاه تاریخی، دولت بزرگ‌تر از دولت کوچک‌تر حمایت کند، نه اینکه اتحاد فقط روی کاغذ باشد و به فروش اف-۱۴ خلاصه شود. از این زمان به بعد است که حکومت پهلوی تلاش می‌کند رابطه را از یک اتحاد به شراکت برساند.

در گفته‌ها به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر اشاره شد که به گمان من بزرگ‌ترین پیروزی دیپلماتیک حداقل در دوران پهلوی بود. اشاره شد که مقام‌های فعلی عراق هم تا چه اندازه با این قرارداد مخالف هستند. وزارت خارجه ایران در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی، حامی اجرای کامل قرارداد ۱۹۷۵ بود اما برخی نهاد‌های نظامی در ایران به دولت فشار می‌آوردند که این قرارداد را کنار بگذاریم. بر خلاف تصویری که وجود دارد نفوذ ایران در میان شیعیان عراقی خیلی بیشتر از نفوذ شیعیان عراقی بر سیاست خارجی ایران نیست. عراقی‌ها از طریق همین نزدیکی مذهبی کوشیده‌اند نقش پررنگی را در سیاست خارجی ایران داشته‌باشند.

امام موسی صدر به دستور شاه به لبنان نرفت، اما از فرستاده شدن و گسیل شدن موسی صدر به جنوب لبنان، ایران توانست ناصر یسم و پان عربیسم که بعد از جمهوری متحد عربی بیش از پیش پررنگ شده بود، در مرکز فرهنگ اعراب کنترل کند. نقش منصور قدر، کاردار وقت ایران در لبنان، در این فرآیند بسیار مهم است. نوع حکومت شاه هر چیزی که بود، دموکراسی نبود. از سال‌های اواخر ۳۰ به بعد، وزارت خارجه یکی از وزارتخانه‌هایی بود که شاه به شخصه به آن استیلا دارد. شاه به چهار چیز دلچسپی عمیقی داشت: یکی ارتش، نیروی هوایی و جنگ افزایش‌یافته، دوم، بحث لوپک، که شاه خودش را کارشناس نفت می‌دانست. سوم، بحث سیاست خارجی و وزارت خارجه بود که من در کتاب اشاره کردم بر نوری بر چیرگی بیش از حد شاه بر سیاست خارجی ایران. چهارمین بحث هسته‌ای است که متأسفانه کتاب در چه یکی در مورد بررسی تاریخ برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد. نقش منصور قدر در این سیستم بسیار پررنگ بود. قدر بسیار به پرویز ثابتی نزدیک بود و شبکه‌های بودند که بسیار بر سیاست خارجی منطقه‌ای ایران اثرگذار باشند و توانستند رابطه شاه را با امام موسی صدر به هم بزنند. من در کتاب نشان داده‌ام که شاه چگونه در دهه ۱۹۶۰ میلادی و زمانی که می‌گوید موسی صدر به اندازه سه سفیر در راستای منافع ایران کار می‌کند، به سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۴ می‌رسد که با حالت نفرت در مورد او صحبت می‌کند. امروز هم در ایران چنین شبکه‌های قدرتمندی وجود دارند که سعی می‌کنند سیاست خارجی ما را به هم بزنند.

خودشان را با گنده‌گویی، موضوع‌های نظری که ربطی به مسئله مورد پژوهش ندارد، تئوری و تحلیل‌هایشان پر می‌کنند. کتاب آقای رئیسی‌نژاد از نمونه‌های درخشانی است که توانسته هر دو طرف را راضی نگه دارد: هم از لحاظ تئوری و تحلیل خیلی غنی است و هم از لحاظ پژوهش اسناد و مستندات تاریخی قدرتمند محسوب می‌شود.

**آرش رئیسی‌نژاد**

**نمایز اهداف سیاست خارجی پیش و پس از انقلاب**



این کتاب به یکسری مسائل بنیادین ولی کمتر گفته‌شده پرداخته است که شاید مهم‌ترین آنها روابط ایران با گروه‌های غیردولتی است. به گمان من در کنار روابط ایران و آمریکا از سال ۱۹۴۵ تا به امروز یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی، بحث گروه‌های غیردولتی و آنچه برخی رسانه‌ها آن را با عنوان گروه‌های نیابتی یا Proxy یاد می‌کنند، هر دو پس از انقلاب بسیار پررنگ‌تر شده است. من در کتاب سعی کردم نشان بدهم که چنین سیاستی از سوی دولت پهلوی هم اعمال می‌شد. این کتاب سوادی تمرکز روی سیاست خارجی شاه را نداشت. زمانی که من این کتاب را شروع کردم به‌عنوان یک دانشجوی جوان دکتری تلاش من این بود که روابط ایران را با گروه‌های غیردولتی بررسی کنم. گمان می‌کردم که نهایتاً ۲۵ صفحه را به بحث گروه‌های عراق اختصاص می‌دهم اما وقتی به ایران و اروپا رفتم و اسناد را بررسی کردم، بعد از دو سال و نیم که به میامی - به دانشگاه - برگشتم ۵۲۵ صفحه کتاب نوشته‌بودم.

استاد بیات به بحث تداوم اشاره داشتند و نقدی در مورد احتمال تصور تداوم سیاست شاه در دوران جمهوری اسلامی در روابط جمهوری اسلامی با گروه‌های غیردولتی شیعی و احیاناً غیرشیعی مطرح کردند. مسئله این است که در ظاهر شباهتی بین دو رویکرد وجود دارد. ایران به‌عنوان یک موجودیت تاریخی، روایتی با گروه‌های غیردولتی که یا شیعی هستند و یا به نوعی ایرانی‌تبار، برقرار کرده است. در ظاهر تداوم وجود دارد، ولی نیت، اهداف و پیامدها بین جمهوری اسلامی و حکومت شاه کاملاً متفاوت است. در دوران پهلوی این بحث مطرح است که چگونه دشمنان منطقه‌ای مهار شوند و از گروه‌های غیردولتی برای فشار آوردن روی عراق بحث یا در مصر ناصر استفاده شود. بحث جمهوری اسلامی مهار نبود، ممکن است امروز مهار دشمنان و رقباى منطقه‌ای در نگاه جمهوری اسلامی پررنگ شده باشد، اما در واقع ریشه اصلی روابط جمهوری اسلامی با گروه‌های غیردولتی بحث صدور انقلاب بود. سیاست خارجی در حکومت، ممکن است در ظاهر شباهت‌هایی با یکدیگر داشته‌باشند، ولی نیت، اهداف و قرآنت‌ها متفاوت است.

شاه این توان را داشت که در پی قرارداد ۱۹۷۵ با بی‌رحمی خونسردانه حمایت خودش را از گردها قطع کند. نگاهی که شاه به گروه‌های غیردولتی دارد، یک نگاه ابزاری است. جمهوری اسلامی به دلیل مباحث ایدئولوژیک و امت‌گرایی، نمی‌تواند رابطه خود را با این گروه‌ها قطع کند. به همین دلیل من عمده‌انه تلاش کردم که در این کتاب به بحث سیاست خارجی جمهوری اسلامی نپردازم. من تصور نمی‌کنم اگر کسی این کتاب را خوانده باشد، بتواند به آن نگاه ابزاری داشته‌باشد که سیاست خارجی غیردولتی ایران را در دوران پس از انقلاب توجیه کند.

تلاش دیگری که در این کتاب داشتم این بود که روابط ایران و آمریکا را به‌عنوان تنها بنیان سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی معرفی



**منصور قدر بسیار به پرویز ثابتی نزدیک بود و شبکه‌های بودند که بسیار بر سیاست خارجی منطقه‌ای ایران اثرگذار باشند و توانستند رابطه شاه را با امام موسی صدر به هم بزنند. من در کتاب نشان داده‌ام که شاه چگونه از دهه ۱۹۶۰ میلادی و زمانی که می‌گوید صدر به اندازه سه سفیر در راستای منافع ایران کار می‌کند، به سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۵۴ می‌رسد که با حالت نفرت در مورد او صحبت می‌کند.**

# بلندی از گذشته تا امروز

ان در جلسه رونمایی کتاب «شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه»



**نام کتاب:** شاه و شطرنج قدرت در خاورمیانه  
**ناشر:** نشر نی  
**مؤلف:** آرش رئیسی‌نژاد  
**مترجم:** پریسا فرهادی  
**نوبت چاپ:** ۱  
**سال چاپ:** ۱۴۰۳  
**تعداد صفحات:** ۴۹۷  
**قیمت:** ۲۸۰۰۰۰ ریال



محسن آزموده

وه بیات